

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

تنظیم و ویرایش: پورتال

دریای هیرمند

(از خاطرات گذشته)

این پارچه شعر، در کنار دریای خروشان هیرمند سروده شده است :

ای خروشنده آبهای روان	وی غریونده موج بی پایان
ای پناهنده در بر هلمند	وی نماینده دوصد حرمان
همچو من ترسناک و لرزنده	همچو من رهسپار و سرگردان
در سر توست رازهای مهیب	در دل توست رمزهای نهان
بس خموشانه میروی ز نظر	بس خروشنده میکنی طغیان
در دلت گنجهای اسرار است	که به من گشته از لب تو عیان
"فرخی" با تو رازها گفته	"بیهقی" از تو کرده است بیان
رفته ای، با تو رفته اند همه	میروی با تو میروند همگان
ای که من آشنای این وادی	وی مهین رهسپار این سامان
میتوانی کزان شکوه قدیم	شمه ای باز آوری به زبان؟
که کجا شد سلاله محمود	به کجا رفت شان و شوکت شان
سعد و مسعود و احمد و محمود	شاه و دربار و نوکر و دربان
به کجا رفت و از چه ویران شد	این زمان آن بنای والاشان

نی ترا این توان و قدرت نیست برّو و باز برمگردد و نمان
اگر از رفتگان نمی آری!! اینک از بودگان بیر آسان
تو بمانی و ما نمی مانیم
آری این است چرخ را پیمان

(م. نسیم «اسیر» - لشکرگاه، هلمند، ۱۵ میزان ۱۳۳۴ ش)